

# تحولات جهانی و تأثیر آن بر مطالعه جامعه‌شناسی سیاسی

دکتر پرویز علوی \*

## چکیده

با توجه به تحولات جهانی آیا می‌توان با همان نگاه و رویکرد کلاسیک به بررسی جامعه‌شناسی سیاسی یعنی رابطه دولت و جامعه پرداخت؟ مقاله حاضر ضمن توضیح مفید و مختصر مفاهیم جامعه‌شناسی سیاسی در مفهوم رایج و کلاسیک آن، گسترش فرایند جهانی شدن و تأثیرات گوناگون آن را بر دولت ملی مورد توجه قرار می‌دهد و در پایان به این نتیجه می‌رسد که امروزه رویکرد کلاسیک جامعه‌شناسی سیاسی و تکیه صرف آن را به رابطه جامعه و دولت رویکردی ناقص است و لذا به رویکردی دو سویه و تعاملی برای تبیین دولت ملی و جهانی شدن نیاز است تا جامعه‌شناسی سیاسی بتواند در وجوه سیاسی، فرهنگی و هویتی باری بخش گذار دولت ملی به سوی توسعه و جهانی شدن باشد. در ضمن، جهانی - محلی شدن که به عنوان ترکیبی از نیروهای جهانی و عناصر محلی فهمیده شده است، پیچیدگی روابط جهانی در عصر اطلاعات را به خوبی شرح می‌دهد.

## کلید واژه‌ها

جامعه‌شناسی سیاسی کلاسیک، جامعه‌شناسی سیاسی معاصر، مارکسیسم، پلورالیسم، نخبه گرایی، جهانی شدن، فضای سایبر، سایبرنتیک، جهانی - محلی شدن.

\* عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی آشتیان

## مقدمه

با توجه به تحولات جهانی و دگرگونی‌های ژرف و شتابناک در دنیای کنونی، این پرسش مطرح می‌شود که آیا می‌توان با همان نگاه کلاسیک به بررسی جامعه‌شناسی سیاسی و واحد اصلی مورد مطالعه آن، دولت، پرداخت؛ این جستار در پی آن است که ضمن توضیح جامعه‌شناسی سیاسی در مفهوم رایج کلاسیک آن، گسترش فرایندهای جهانی شدن را در عرصه‌های مختلف یادآوری و تأثیر آن را بر دامنه، عرصه و موضوعات جامعه‌شناسی سیاسی دریابد، زیرا به نظر می‌رسد فرایندهای جهانی، نگرش مسلط در جامعه‌شناسی سیاسی را دستخوش تحولات عمده و اساسی کرده باشد.

در نوشتار حاضر، ضمن توضیح پارادایم (الگو) کلاسیک جامعه‌شناسی سیاسی و مفاهیم مندرج در آن به موضوع اصلی جامعه‌شناسی سیاسی، وظیفه جامعه‌شناسی سیاسی، الگوی جامعه‌شناسی سیاسی مارکس، الگوی جامعه‌شناسی سیاسی ماکس وبر و الگوی تکثر منابع قدرت اجتماعی،<sup>۱</sup> به صورت خلاصه اشاره خواهد شد و نیروهای اجتماعی احزاب سیاسی، طبقه‌بندی رژیم‌های سیاسی و رابطه دولت با جامعه مورد بررسی کوتاه قرار خواهند گرفت.

در زمینه الگوی معاصر جامعه‌شناسی سیاسی نیز مفاهیمی چون ساختارهای اقتدار در سطح جهان، رابطه میان حکومت و فرایندهای جهانی شدن در عرصه اقتصاد، سیاست، فرهنگ و ارتباطات، هویت‌های فراملی طبقاتی، بخش‌های اجتماعی فراملی و جز آن مورد بررسی قرار می‌گیرند.

در پایان کوشش خواهد شد که به پرسش اصلی این نوشتار پاسخ داده شود و تحولات عمده و اساسی رخ داده در بررسی جامعه‌شناسی سیاسی مشخص گردد.

مقاله در دو بخش تنظیم شده است: ۱) جامعه‌شناسی سیاسی کلاسیک و ۲) جامعه‌شناسی سیاسی معاصر.

---

### 1. Pluralism

## جامعه‌شناسی سیاسی کلاسیک

جامعه‌شناسی سیاسی در مفهوم رایج و کلاسیک آن، روابط حکومت و جامعه را در محدوده دولت مدرن بررسی می‌کند. همه مکاتب و نظریه‌های عمده در جامعه‌شناسی سیاسی کلاسیک از مارکسیسم<sup>۱</sup> گرفته تا نخبه‌گرایی<sup>۲</sup> و تکثرگرایی<sup>۳</sup>، بر روابط متقابل حکومت و جامعه و به ویژه تأثیرات تبیین‌کننده نیروها و ساختار اجتماعی بر قدرت سیاسی در چارچوب دولت ملی تمرکز داشته‌اند. واحد اصلی مطالعه، در همه این نگرش‌ها محدوده دولت ملی<sup>۴</sup> بوده است.

موضوع اصلی جامعه‌شناسی سیاسی، توضیح جایگاه دولت مدرن در درون شبکه پیچیده‌ای از علایق و منافع اجتماعی و اقتصادی و روابط حاصل از آنهاست.

اگر سیاست را به معنی «روابط میان جامعه، اقتصاد و دولت» بدانیم، در آن صورت وظیفه جامعه‌شناسی سیاسی فهم این روابط است (بشیریه، ۱۳۸۰: دیباجه)، به طور کلی موضوع جامعه‌شناسی سیاسی را می‌توان بررسی رابطه میان دولت، قدرت سیاسی و قدرت دولتی از یک سو و جامعه و قدرت اجتماعی یا نیروها و گروه‌های اجتماعی از سوی دیگر دانست.

سرمایه‌داران، کارگران، دهقانان، روشنفکران و غیره را به عنوان نیروهای اجتماعی در نظر می‌گیرند. در جامعه‌شناسی سیاسی کلاسیک فرض اصلی این است که زندگی سیاسی به وسیله متغیرهای اجتماعی توضیح داده می‌شود.

تفاوت جامعه‌شناسی سیاسی با علم سیاست در این است که مقوله نخست بیشتر نگرشی از «پایین به بالا»، یعنی بیشتر تأثیرات جامعه بر سیاست را بررسی می‌کند، در حالی که «علم سیاست» بیشتر نگرشی از «بالا به پایین» است، به این معنی که بیشتر به بررسی ساختار قدرت و فرآیند سیاست و تصمیم‌گیری و تأثیرات آن‌ها بر روابط اجتماعی می‌پردازد؛ به طور کلی در حالی که علم سیاست با نظام سیاسی و چگونگی اعمال قدرت سر و کار دارد؛ جامعه‌شناسی سیاسی به مبانی اجتماعی قدرت سیاسی توجه می‌کند. (نش، ۱۳۸۰: ۹).

1. Marxism
2. Elitism
3. Pluralism
4. Nation-State

## ۲۰ ❖ تحولات جهانی و تأثیر آن بر مطالعه جامعه‌شناسی سیاسی

از نظر سطح تحلیل، جامعه‌شناسی سیاسی از سه سطح تحلیل فردی، گروهی و ساختاری برخوردار است که در این میان سطح تحلیل نیروها و گروه‌های اجتماعی و تأثیرات آن‌ها بر زندگی سیاسی، به عنوان حوزه جامعه که در آن زندگی سیاسی به معنای واقعی و ملموس جریان دارد، مورد توجه بیشتری قرار می‌گیرد.

جامعه‌شناسی سیاسی از سرچشمه‌های فکری مختلفی بهره‌مند شده است و نظریه‌های عمده آن بر چند تمثیل اساسی متکی است مانند تمثیل زیربنا و روبنا در جامعه‌شناسی مارکسیستی، تمثیل گردش خون در نظریه نخه‌گرایی و تمثیل‌های ارگانیک و مکانیک در نظریه‌های کارکردگرایی<sup>۱</sup>.

به‌طور طبیعی بر حسب نوع نگرش مکاتب گوناگون، مقوله‌هایی چون طبقات اجتماعی، نیروهای اجتماعی، گروه‌های برگزیده، شکاف‌های اجتماعی، گروه‌های نفوذ و امثال آن‌ها، به عنوان عوامل تأثیرگذار بر عرصه قدرت سیاسی مورد تأکید قرار گرفته‌اند (نش، ۱۳۸۰: ۹). اکنون به الگوهای جامعه‌شناسی می‌پردازیم.

### الف) الگوی جامعه‌شناسی سیاسی مارکس

به تعبیر مارکس، انسان همان جهان اجتماعی، دولت و جامعه است (ر.ک. به: کارل مارکس، نقد فلسفه هگل). بنابراین موضوع جامعه‌شناسی سیاسی از نظر مارکس بررسی رابطه دولت با طبقات اجتماعی است یعنی با مجموعه‌ای از افراد که دارای روابط ساختاری و عینی معینی با یکدیگرند. به این ترتیب، درک ماهیت دولت مدرن بدون شناخت رابطه آن با طبقات اجتماعی ناممکن است؛ طبقات تنها مقولات اقتصادی نیستند، بلکه نیروهای سیاسی‌اند و ستیزه میان آن‌ها ستیزه‌ای سیاسی است (بشریه، ۱۳۸۰: ۴۱ - ۴۰).

در آثار مارکس، دولت ابزار سلطه طبقه بالا و وسیله تضمین و تداوم منافع آن طبقه تلقی می‌شود. «دولت منافع طبقه حاکمه را در قالب اراده دولتی و قانون جلوه‌ای عمومی می‌بخشد. دولت اگر هم همیشه کاملاً از منافع طبقات پاسداری نکند، به هر حال برای حفظ آن منافع سودمند است». در اینجا مارکس برای دولت نوعی استقلال نسبی قایل می‌شود که نظرات او را به ماکس وبر نزدیک می‌سازد.

---

1- Functionalism

## تحولات جهانی و تأثیر آن بر مطالعه جامعه‌شناسی سیاسی ❖ ۲۱

لحن کلی مارکس درباره جهان غیر اروپایی در بیانیه حزب کمونیست شکل گرفته است: «بورژوازی با رشد سریع همه ابزار تولید، با تجهیز گسترده ابزار ارتباطی، همه، حتی وحشی‌ترین ملل را به سوی تمدن می‌کشاند. قیمت ارزان کالاهای بورژوازی توپخانه سنگین آن است که با آن دیوار چین را فرو می‌ریزد... بورژوازی همه ملل را مجبور می‌کند تا از بیم انقراض، شیوه تولید بورژوازی را بپذیرد، بورژوازی این ملت‌ها را مجبور می‌کند تا مغز استخوان چیزی را که تمدن می‌نامد بپذیرند و خود بورژوا شوند. در یک کلام بورژوازی، جهانی بر قامت آرزوی خود می‌سازد» (مارکس و انگلس، ۱۳۶۳: ۴۸۸).

در جوامع سرمایه‌داری طبقه بالا، شامل سرمایه داران صنعتی، بانکداران، بازرگانان بزرگ و صاحبان منافع عمده در بخش کشاورزی، اغلب بر حسب خواست‌های سیاسی و اقتصادی خود با یکدیگر اختلاف پیدا می‌کنند. از همین رو دولت می‌کوشد میان علایق سرمایه‌داران در دراز مدت سازش ایجاد کند و بنابراین خود را در چشم مردم به عنوان عامل بی‌طرف در مبارزه میان کار و سرمایه جلوه دهد (بشیریه، ۱۳۸۰: ۴۵).

### ب) الگوی جامعه‌شناسی سیاسی ماکس وبر

ماکس وبر جامعه‌شناس آلمانی نیز مانند مارکس رابطه پیچیده دولت مدرن را با جامعه بررسی می‌کند، اما دولت مدرن را زائیده صرف فعالیت طبقاتی اجتماعی نمی‌داند. از نظر او، دولت مدرن مانند سایر حوزه‌های دیگر نظام اجتماعی دارای روند تحول و پویایی مستقل درونی و ویژه خود است و لذا باید برای حوزه‌های مختلف اجتماعی نوعی جدایی نسبی قایل شد.

کلی‌ترین مفهوم در اندیشه ماکس وبر، روند عقلانی شدن جهان است که به مفهوم عقلانی شدن نهادی و ابزاری در حوزه زندگی اجتماعی است. البته، تنها حوزه‌های خاصی از زندگی به ویژه حوزه اقتصادی و دیوانسالاری و علم عقلایی می‌شوند، اما سایر وجوه زندگی انسان عمدتاً غیر عقلانی‌اند و غیر عقلانی باقی می‌مانند.

به طور کلی، در جامعه‌شناسی سیاسی وبر زندگی انسان دستخوش نیروهای عقلانی و غیرعقلانی است. البته، به نظر او مبانی غیرعقلانی رفتار در زندگی سیاسی

## ۲۲ ❖ تحولات جهانی و تأثیر آن بر مطالعه جامعه‌شناسی سیاسی

نیرومندتر است. در ارزیابی نظرات ماکس وبر می‌توان گفت که او چشم‌انداز متفاوتی را در جامعه‌شناسی سیاسی می‌گشاید که تأکید بر عنصر غیر عقلانی در رفتارهای سیاسی از جمله آنهاست.

جامعه‌شناسی سیاسی جنبش‌های توده‌ای در آثار هانا آرنت<sup>۱</sup> و اریک فروم<sup>۲</sup> تا حدودی متأثر از نگرش ماکس وبر است (بشریه، ۱۳۸۰: ۵۰)

### پ ( الگوی تکثر منافع قدرت اجتماعی

کثرت‌گرایی برخلاف مبنای طبقاتی دولت در مارکسیسم بر تکثر و تعدد مراکز قدرت اجتماعی تأکید می‌ورزد. قدرت سیاسی فرایند پایان‌ناپذیر رقابت و مصالحه میان نیروهای گوناگونی است که نماینده منافع و علایق اجتماعی مختلف‌اند مانند گروه‌بندی‌های قومی، مذهبی، صنعتی، تجاری و کارگری.

از دیدگاه جامعه‌شناسی نخبه‌گرایی متکثر، تضاد واقعی در جامعه سیاسی<sup>۳</sup> میان عامه مردم و نخبگان نیست، بلکه میان خود نخبگان است. توده‌های مردم ترجیح می‌دهند مسؤلیت تصمیم‌گیری در باب مسائل عمومی و حتی مسائل خصوصی خود را به نخبگان بسپارند، در برابر آنها این نخبگان‌اند که توانایی سازمان‌بخشیدن به خود را دارند که از ویژگی‌های اصلی آنان به شمار می‌رود (میکلز: ۱۳۵۹: ۵۹).

به طور کلی به موجب الگوی کثرت‌گرایی در جامعه‌شناسی سیاسی، قدرت اجتماعی در جامعه مدرن تمایل به پراکندگی دارد و منابع آن متعدد و متکثر است و مقولاتی چون ثروت، حیثیت اجتماعی، نفوذ مذهبی، تحصیلات، اطلاعات، نظارت بر وسایل ارتباطی و جز آن را در بر می‌گیرد. از همین رو شماری از گروه‌های قدرت در جامعه وجود دارند که شناخت رابطه دولت و جامعه را نیازمند شناخت گروه‌های قدرتمند رقیب می‌دانند.

جامعه‌شناسی سیاسی در بررسی روابط پیچیده میان جامعه و دولت باید سه حوزه به هم پیوسته را مورد بررسی قرار دهد:

(۱) شناخت پیچیدگی‌ها و شکاف‌ها و تعارض‌های جامعه؛

1. Hana Arnet
2. Erich Fromm
3. Political society

تحولات جهانی و تأثیر آن بر مطالعه جامعه‌شناسی سیاسی ❖ ۲۳

۲) شناخت گروه بندی‌ها و نیروهای که بر پایه شکاف‌های آن تعارض‌ها در جامعه پدیدار می‌شود؛

۳) شیوه تأثیر گذاری نیروهای اجتماعی بر زندگی سیاسی (سلطه، نفوذ، نقش و جز آن) رابطه میان نیروهای اجتماعی و زندگی سیاسی رابطه پیچیده‌ای است و مقولاتی مانند قدرت، نفوذ، نقش، آمریت، شان و منزلت را دربر می‌گیرد  
وظیفه جامعه‌شناسی سیاسی در این مورد، کشف، توصیف، طبقه بندی، تحلیل ساختار، تحلیل پویایی و نقش نیروهای اجتماعی - سیاسی است. در مطلب بعدی به نیروهای اجتماعی و انواع آن می‌پردازیم.

## نیروهای اجتماعی

نیروهای اجتماعی<sup>۱</sup> مجموعه طبقات و گروه‌هایی‌اند که بر روی زندگی سیاسی تأثیر می‌گذارند. نیروهای اجتماعی در این مفهوم اولاً مرکب از افرادی است که دارای جنبه‌های همسانی از نظر علایق اقتصادی، ارزشی، فرهنگی، صنفی و جز آن باشند و دوم اینکه، به شرکت در زندگی سیاسی (از قبضه قدرت گرفته تا مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست گذاری‌ها) علاقمنداند و سوم اینکه به این منظور به خود سازمان می‌دهند و آماده انجام عمل سیاسی می‌شوند.

### الف) انواع نیروهای اجتماعی

نیروهای اجتماعی را می‌توان به ترتیب زیر دانست :

۱) گروه‌های اقتصادی، اتحادیه‌ها، شرکت‌ها و...؛

۲) گروه‌های مبتنی بر کارویژه همبستگی: نهادهای حقوقی و غیره؛

۳) گروه‌های فرهنگی : انجمن‌های روشنفکران، روزنامه نگاران و نویسندگان...؛

۴) گروه‌های مجری کارویژه سیاسی: مؤسسات حکومتی و دسته‌بندی‌های

پارلمانی.<sup>۲</sup>

1. Social Forces

2. Parliament fractions

### ب) احزاب سیاسی

احزاب سیاسی شکل خاصی از سازماندهی نیروهای اجتماعی‌اند و خود به عنوان سازمان، تحت فشار گروها و علایق اجتماعی مختلف قرار می‌گیرند. در کشورهایی که دارای نظام حزبی جاافتاده‌اند، احزاب سیاسی به عنوان حلقه پیوند میان نهادهای تصمیم‌گیری سیاسی و منافع اجتماعی عمل می‌کنند. حزب سیاسی مبتنی بر ایدئولوژی، سازمان، رهبری و برنامه مشخص، پدیده‌ای جدید است که نخستین بار در کشورهای غربی از درون شکاف‌های طبقاتی، مذهبی، منطقه‌ای و سیاسی پدیدار شدند. هر چه شکاف‌های اجتماعی شدیدتر باشد احتمال پیدایش احزاب ایدئولوژیک نیز بیشتر می‌شود، بر عکس در کشورهای غربی، احزاب سیاسی چندان خصلت ایدئولوژیک و مسلکی ندارند، لذا احزاب خصلت فراگیر دارند و برای کسب حمایت به بخش‌های مختلف جامعه متوسل می‌شوند و می‌توان گفت احزاب بیشتر عمل گرایند<sup>۱</sup> تا ایدئولوژیک.

### پ) طبقه بندی رژیم‌های سیاسی

از لحاظ جامعه‌شناسی سیاسی، ساخت قدرت بر دو گونه است، یک جانبه و دو جانبه. در ساخت قدرت یک جانبه، قدرت سیاسی مشروعیت<sup>۲</sup> خود را از منابعی غیر از مردم (جامعه) می‌گیرد و در نتیجه نهادهایی برای مشارکت گروه‌های اجتماعی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی وجود ندارد. رژیم‌های الیگارشی<sup>۳</sup> (اقلیت با نفوذ) استبدادی قدیم و جدید، تمامیت خواه<sup>۴</sup> و دیکتاتوری‌های انقلابی همگی بر ساخت قدرت یک‌جانبه متکی‌اند دولت‌های اقتدار طلب<sup>۵</sup>، دولت‌هایی‌اند که دارای ساخت قدرت یک جانبه‌اند و می‌توانند چپ‌گرا یا راست‌گرا، فردی یا گروهی و دارای ایدئولوژی‌های سیاسی گوناگون باشند. در مقابل دولت‌های دموکراتیک و مردم‌سالار دارای ساخت قدرت دو جانبه‌اند و منبع مشروعیت قدرت سیاسی به نحوی از جامعه تلقی می‌شود و در نتیجه نهادهایی برای مشارکت دست کم بخش‌هایی از

1. Pragmatist
2. Legitimacy
3. Oligarch
4. Totalitarian
5. Authotarian



جامعه و گروه‌های اجتماعی در سیاست وجود دارد، پس امکان مشارکت سیاسی تعداد اندک یا بیشتری با درجات متفاوت موجود است. رابطه دولت با جامعه مدنی (حد فاصل زندگی خصوصی و قدرت سیاسی یا همان حوزه عمومی) نیز از مطالب مرتبط با جامعه‌شناسی سیاسی است که در زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### رابطه دولت و جامعه

سیاست، حاصل روابط دولت و جامعه است و در این جا رابطه ساخت دولت و جامعه مدنی و میزان قدرت جامعه مدنی و یا توده‌وار شدن جامعه اهمیت پیدا می‌کند. اصطلاح جامعه مدنی<sup>۱</sup> معمولاً در مقابل دولت و به عنوان حوزه‌ای از روابط اجتماعی تلقی می‌شود که از دخالت قدرت سیاسی فارغ است و مجموعه‌ای از نهادها، موسسات، انجمن‌ها و تشکل‌های خصوصی و مدنی (غیر خصوصی) را در بر می‌گیرد. ویژگی اصلی دولت ساخت قدرت آمرانه است، اما جامعه مدنی فاقد ساخت قدرت آمرانه و تبعیت است (بیشتر داوطلبانه و ارادی است).

به طور کلی جامعه مدنی، حوزه‌ای است که در آن کشمکش‌های اقتصادی، اجتماعی و ایدئولوژیک واقع می‌شوند و دولت می‌کوشد آن منازعات را از طریق وساطت یا سرکوب حل کند. کارگزاران این منازعات در درون جامعه مدنی عبارتند از نیروها، طبقات، گروه‌ها، جنبش‌های اجتماعی، نهادها، سازمان‌ها و گروه‌های فشار و انجمن‌های نماینده آن‌ها. در مورد احزاب سیاسی و رابطه‌یشان با جامعه مدنی می‌توان گفت «احزاب یک پا در جامعه مدنی و یک پا در حوزه دولت دارند» (بشیریه، ۱۳۸۰: ۳۳۲).

با توجه به مسایل مرتبط با جهانی شدن و پیدایش جامعه مدنی، نهادهای مدنی جهانی از جمله نهادهای غیر حکومتی<sup>۲</sup> از طریق اینترنت و در فضای سایبر به یکدیگر پیوسته‌اند و صدای دیگران را به گوش افکار عمومی جهانی می‌رسانند، جامعه‌شناسی سیاسی نیز تحت تأثیر پدیده‌های جدید دچار تحولی اساسی شده است که در بخش دوم مقاله به آن پرداخته می‌شود.

---

1. Civil Society

2. None-Governmental Organizations

### جامعه‌شناسی سیاسی معاصر

با توجه به گسترش فرایندهای جهانی شدن،<sup>۱</sup> در عرصه‌های مختلف و در نتیجه تضعیف دولت ملی، به نظر می‌رسد که دامنه، عرصه و موضوعات و در نتیجه نگرش‌های مسلط در جامعه‌شناسی سیاسی دستخوش تحولات عمده اساسی شده باشند. چنانکه ملاحظه شد در الگوی<sup>۲</sup> کلاسیک، مفاهیمی چون دولت ملی، رابطه حکومت و جامعه، طبقه حاکمه، نخبگان سیاسی، احزاب و پایگاه اجتماعی رژیم‌های سیاسی غلبه داشتند. واحد اصلی مطالعه نیز در همه حال محدوده دولت ملی بود. اما در الگوی جدید جامعه‌شناسی سیاسی، ساختارهای اقتدار در سطح جهان، رابطه میان حکومت و فرایندهای جهانی شدن در عرصه اقتصاد، سیاست، فرهنگ و ارتباطات، هویت‌های فرا ملی، بخش‌های اجتماعی فراملی و نهادهای مدنی فراملی اولویت یافته‌اند. (نش، ۱۳۸۰: ۱۰)

پس، با توجه به این تحولات، چشم‌انداز گسترده‌تری برای مطالعه قدرت و سیاست ضرورت یافته است و لذا مفهوم جهانی‌شدن، گسترش ارتباطات جهانی، فرآیند جهانی شدن در چهار حوزه فنی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و تحولات سیاست جهانی همراه با پیدایش جامعه مدنی و نهادهای مدنی جهانی در این نوشتار مورد بررسی قرار می‌گیرند.

### الف) مفهوم جهانی شدن

اصطلاح جهانی شدن در دهه ۱۹۸۰ رواج یافت و اکنون به واژه‌ای فراگیر و حرفه‌ای تبدیل شده است. واترز<sup>۳</sup> (۱۹۹۶) نشان می‌دهد که اگرچه واژه «جهانی»<sup>۴</sup> بیش از چهار سده قدمت دارد، اما اصطلاحی چون جهانی شدن در دهه ۱۹۵۰ پدیدار گردید. در ۱۹۶۱ یکی از واژه‌نامه‌های وبستر، نخستین واژه‌نامه معتبری بود که جهانی شدن را تعریف کرد. (واترز، ۱۹۹۶: ۷۹)

اما تا اوایل دهه ۸۰ این واژه رواج دانشگاهی پیدا نکرد. (رابرتسون، ۱۹۹۲: ۸۵)

1. Globalization
2. Paradigm
3. Waters
4. Globality

## تحولات جهانی و تأثیر آن بر مطالعه جامعه‌شناسی سیاسی ❖ ۲۷

جهانی شدن، همانند امپریالیسم در دهه ۱۹۷۰ و پسانوگرایی<sup>۱</sup> در دهه ۱۹۸۰ بر حسب دیدگاه‌های گوناگون، تعریف شد.

در حالی که گیدنز<sup>۲</sup> (۱۹۹۰) جهانی شدن را تقویت روابط اجتماعی جهان گستر می‌داند که مکان‌های دور را به هم پیوند می‌زند به گونه‌ای که رویدادهای محلی را رویدادهای مکان‌های دور دست شکل می‌دهند. واترز، جهانی شدن را فرایندی اجتماعی می‌داند که شرایط اجتماعی و فرهنگی را از محدودیت‌های جغرافیایی آزاد می‌کند. می‌توان عمدتاً از طریق اطلاعات فراملی و فن‌آوری‌های رسانه‌ای، بر فاصله مکانی و زمانی غلبه کرد رابرتسون، جهانی شدن را «فشرده‌گی جهان و تقویت آگاهی جهان به عنوان یک کل»، تعریف می‌کند. رابرتسون را می‌توان یکی از صداهای پیشگام دانشگاهی و محافل علمی دانست که بحث جهانی شدن را مطرح می‌کند. به نظر رابرتسون<sup>۳</sup> جهانی شدن از «بین‌المللی شدن»<sup>۴</sup> پیوندهای متقابل فرهنگی پیچیده و چند لایه‌ای را که معرف جهان کنونی‌اند، بهتر شرح می‌دهد. رابرتسون، با نام بردن از شمار فزاینده‌ای از سازمان‌های چند ملیتی و نهادها و کارگزاران بین‌المللی، پذیرش یک زمان متحد‌الشکل بین‌المللی و به ویژه رشد شتابناک فن‌آوری‌های ارتباطی را از علل و عوارض جهانی شدن می‌داند. اپادوری<sup>۵</sup> (۱۹۹۴) می‌گوید «افراد، سرمایه، فن‌آوری، انگاره‌ها و ایدئولوژی‌ها به طور مستمر در سراسر جهان در حرکت‌اند و این همان جهانی شدنی است».

بدین ترتیب، جهانی شدن به عنوان یک چارچوب الگو بخش جریان اطلاعات و سایر جریان‌های بین‌المللی، جایگزین امپریالیسم فرهنگی شده است. (تام لیتسون، ۱۹۱۱)

این تغییر جهت الگو بخش را نمی‌توان نشانه‌ای از رفع بی‌عدالتی‌ها و نابرابری‌ها دانست، بلکه تنها نشانه‌ای از شکل‌بندی دوباره این نابرابری‌ها به شمار می‌رود. بنابراین، جهانی شدن گفتمانی<sup>۶</sup> است که بر شکاف اطلاعاتی تاکید می‌کند: شکاف میان «داراها» و «ندارها» در عصر اطلاعات. (شیلر، ۱۹۹۶)

1. Post modernism
2. A. Giddins
3. Robertson
4. Internationalism
5. Apadouri
6. Discourse

در حالی که اعضای نخبگان غرب که عمدتاً مذکر و مرفه‌اند خود را با فضای اطلاعات و فضای سایبر<sup>۱</sup> سرگرم می‌کنند، نیمی از نژاد انسان هرگز یک مکالمه تلفنی انجام نداده است؟

اجزای اصلی فرایند جهانی شدن عبارتند از گسترش ارتباطات جهانی به دلیل پیشرفت‌های فنی، افزایش اهمیت نهادهای سیاسی، اقتصادی و تجاری بین‌المللی، پیدایش سازمان‌های صنعتی و مالی چند ملیتی و افزایش قدرت بازارهای ارزی. این ابزار، دایره اختیار و حاکمیت ملی را در حوزه اقتصادی و در عرصه فرهنگ و زندگی اجتماعی محدود می‌کند. در سطح جهان و در روابط بین‌الملل، نوعی اقتدار قابل ملاحظه در نهادهای جهانی به وجود آمده است که خواه ناخواه به اقتدار سنتی دولت‌های محلی آسیب می‌رساند و مسأله اصلی جامعه‌شناسی سیاسی را که رابطه دولت و نهادهای اجتماعی و نیروهای اجتماعی است، تحت تأثیر ژرف خود قرار می‌دهد.

در نهادهای جهانی اقتداری به وجود آمده است که خواه ناخواه به اقتدار سنتی دولت‌های محلی آسیب می‌رساند. اکنون در جهان شاهد مداخله نهادهای بین‌المللی در حاکمیت‌های ملی در زمینه مسایل زیست محیطی، سلاح‌های کشتار جمعی، حقوق بشر و امثال آن می‌باشیم.

### ب) ویژگی‌های حوزه فنی در انقلاب سوم

فرایند جهانی شدن را معمولاً در چهار حوزه فناورانه، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بررسی می‌کنند. انقلاب صنعتی سوم که در پایان قرن بیستم رخ داد تحولاتی اساسی در حوزه ارتباطات، مصرف و اطلاعات به همراه آورد. فن آوری اطلاعات<sup>۲</sup> شامل شبکه‌های رایانه‌ای، اینترنت و فضای اطلاعاتی (سایبر) امکان انتقال سریع و پردازش اطلاعات را فراهم آورده و کیفیت اطلاعات قابل حصول را به گونه‌ای انقلابی دگرگون ساخته است. (ابو، ۱۳۸۵: مقدمه)

فن آوری ماهواره‌ای و رسانه‌های دیجیتال الکترونیک، مراودات بازرگانی بین‌المللی را بسیار گسترده و آسان ساخته است. در نتیجه این تحولات، فاصله

1. Cyber space

2. Information Technology-IT

## تحولات جهانی و تأثیر آن بر مطالعه جامعه‌شناسی سیاسی ❖ ۲۹

مکانی و زمانی، معنای خود را از دست داده است و حوزه عمومی مشترکی در سطح جهانی پدیدار شده است که همه ملت‌ها را به سوی خود می‌خواند.

### پ) تحولات حوزه اقتصادی و سیاسی در عصر جهانی شدن

امروزه، عناصر اصلی سیاست‌های اقتصادی و مالی ملی، جهانی می‌شوند. توفیق اقتصادی در داخل به معنی توفیق در کسب موقعیتی مطلوب در بازارهای بین‌المللی است که به نحو فزاینده‌ای بر دانش، اطلاعات و فن‌آوری پیشرفته متکی است. در سایه امکانات و منابع مالی و فناوری شرکت‌های چند ملیتی (فراملی)، تقسیم کار بین‌المللی جدیدی شکل گرفته است و کل جهان به بازار و میدان عمل آن‌ها تبدیل شده است. عرصه حقوق بین‌الملل گسترش یافته و توانایی سیاسی دولت‌های ملی را در امر نظارت و اداره امور اقتصادی خود محدود می‌سازد.

از لحاظ سیاسی، پیدایش و گسترش نهادهای سیاسی جهانی و اختیارات آن‌ها، در حوزه قدرت و حاکمیت دولت‌های ملی و در ماهیت نظام بین‌الملل تحولات چشم‌گیری را به وجود آورده است. سازمان ملل متحد، بانک جهانی، سازمان تجارت جهانی و صندوق بین‌المللی پول و غیره قدرت تصمیم‌گیری در سطوح جهانی دارند و عرصه‌های تصمیم‌گیری سیاسی را بر فراز دولت‌های ملی در سطح جهان گسترش داده‌اند. دولت‌های ملی به تنهایی نمی‌توانند با مسائلی چون گرم شدن کره زمین، افزایش جمعیت، مسائل محیط زیست و امثال آن برخورد کنند و لذا اقتدار و اختیار نهادهای جهانی افزایش می‌یابد.

بنابراین، توسعه حقوق بین‌الملل و استقلال عمل سازمان‌های بین‌المللی از دولت‌های ملی در حوزه تصمیم‌گیری، محدودیت‌هایی برای آزادی عمل سنتی دولت‌ها در عرصه داخلی و بین‌المللی فراهم آورده است. البته، اعمال نفوذ قدرت‌های بزرگ بر این نهادها را نباید نادیده گرفت.

### ت- پیدایش جامعه مدنی جهانی

جنبش‌های مدنی، فرهنگی و اجتماعی در سطح جهان جزیی از جامعه مدنی جهانی‌اند (جنبش زنان، جوانان، مهاجران و غیره). اینترنت و فضای اطلاعاتی سایبر موجب پیوند نهادهای مدنی ملی به یکدیگر شده است و سازمان‌های غیر حکومتی

صدای اقلیت‌ها و سایر گروه‌های در حاشیه را به گوش افکار عمومی جهان<sup>۱</sup> می‌رسانند. می‌توان از شهروند فراملی<sup>۲</sup> و روابط فراملی<sup>۳</sup> سخن گفت. جامعه فراملی شبکه‌ای از سازمان‌هایی است که هدف و آرمان‌هایشان مرز نمی‌شناسد.

### ث- جهانی محلی شدن<sup>۴</sup>

گیدنز (۱۹۹۰)، جهانی شدن را «امتداد» منطقی رویداد جهانی محلی می‌داند، زیرا دگرگونی‌های محلی به همان اندازه بخشی از جهانی شدن هستند که گسترش جانبی پیوندهای اجتماعی در امتداد زمان و مکان، بخشی از آن به شمار می‌رود. پس جهانی شدن به مثابه یک فرایند منطقی، آن گونه که بسیاری گمان می‌برند، یک نیروی غربی یکنواخت‌ساز و یکپارچه‌ساز نیست که فرهنگ‌های محلی را به پذیرش اجباری هنجارها و ارزش‌ها و ادار سازد یا ترتیبات فرهنگی محلی را به طور کلی برهم زند. جهانی‌سازی به مثابه یک پروژه با جهانی شدن به عنوان یک فرآیند تفاوت دارد. روابط فرهنگی بین‌المللی در زمان معاصر، بیش از آن که یک تک‌گفتار اجباری از سوی جهان صنعتی باشد، بیشتر شبیه یک گفت‌وگو به نظر می‌رسد. هرچند عدم تعادل به سود کشورهای صنعتی در آن مشهود است، اما با این حال یک دیالوگ یا گفت‌وگو است.

اگر نتایجی چون استانداردسازی، یکسان‌سازی و فراگیرسازی را به اصطلاح جهانی شدن نسبت دهیم، آنگاه این اصطلاح از عهده توضیح پیچیدگی جریان‌های بین‌المللی و مبادله فرهنگ، اطلاعات، سرمایه و مردم، بر نخواهد آمد. به خصوص، این اصطلاح نمی‌تواند عوامل محلی را در روابط بین‌الملل به حساب آورده و به صورت درخور و مناسب، مورد توجه قرار دهد. «جهانی-محلی شدن» با به حساب آوردن هر دو عامل محلی و جهانی، چارچوب مفهومی مناسب‌تری برای درک فرایندهای ارتباطات بین‌الملل و انطباق با آن فراهم می‌آورد. ژاپن، با بررسی ترکیب عوامل جهانی و محلی در اقدامات تجاری و کشاورزی خود، مفهوم «محلی

1. NGOS
2. Transnational Citizen
3. Transnational Relations
4. Glocalization

تحولات جهانی و تأثیر آن بر مطالعه جامعه‌شناسی سیاسی ❖ ۳۱

شدن جهانی» را مطرح و عملی ساخت: «اتخاذ رویکردی جهانی نسبت به شرایط محلی» (گلاند ۱۹۹۶، ماتلارت ۱۹۹۸، و رابرتسون ۱۹۹۴) (ابو، ۱۳۸۵: ۷۴-۷۳).

### ج- به طور کلی در نتیجه جهانی شدن چه رخ داده است؟

در نتیجه فرایند جهانی شدن، ویژگی‌های اصلی دولت ملی در حال زوال است. کارآمدی در سیاست‌گذاری داخلی، خود مختاری، شکل حکومت و مشروعیت داخلی از جمله این ویژگی‌هاست. با جهانی شدن اقتصاد، سازوکارهای اقتصاد ملی کارآیی خود را از دست می‌دهند. با گسترش اختیارات سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی، خود مختاری دولت‌ها در عمل محدود می‌شود. از لحاظ شکل حکومت نیز روند گسترش دموکراسی، به عنوان جزیی از فرایند جهانی شدن، دست کم ظواهر دموکراسی را در همه جا می‌گستراند. قانونگرایی و اقتدار قانونی، منطبق با مفهوم قانونگرایی در سطوح جهان، به مبنای مشروعیت تبدیل می‌شود. نوعی دیوان‌سالاری جهانی در حال شکل‌گیری است. (اتحادیه اروپا، پیمان‌های منطقه‌ای و سازمان‌های مالی جهانی از آن جمله‌اند). کوتاه سخن آن که پیدایش دهکده الکترونیک جهانی، انقلاب اطلاعاتی در فضای سایبر، فشردگی زمان و جهان، گسترش آگاهی در سطوح جهان و انتقال و پردازش سریع اطلاعات، از ویژگی‌های اصلی عصر جهانی شدن می‌باشند.

### نتیجه‌گیری

در جمع بندی و تحلیل مطالب فوق می‌توان گفت که رویکرد جامعه‌شناسی کلاسیک متوجه شیوه‌های تأثیرگذاری جامعه بردولت است. از نقطه نظر جامعه‌شناسی سیاسی جدید چنین رویکردی اساساً ناقص است. جهانی شدن، قدرت دولت‌ها را در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی تا حد زیادی کاهش داده است و قدرت دولت ملی تحت تأثیر نهادها و فرایندهای دیگر قرار گرفته است. پس در پاسخ به پرسش اصلی مقاله، نمی‌توان با همان نگاه کلاسیک به بررسی جامعه‌شناسی سیاسی و واحد اصلی مورد مطالعه آن یعنی دولت پرداخت.

چند پارگی و متکثرشدن ارزش‌ها و شیوه‌های زندگی، رشد رسانه‌های همگانی، مصرف‌گرایی و زوال مشاغل و جوامع با ثبات، همه و همه به این معنی است که هویت‌های اجتماعی خدشه‌ناپذیر و مسلم انگاشته شده سابق اکنون سیاسی شده‌اند. در این شرایط پیدایش جنبش‌ها و شبکه‌های اجتماعی، هویت‌های غیرطبقاتی نظیر جنسیت و هویت جنسی را نمایندگی می‌کنند، لذا شکل و محتوای سیاست تغییر کرده است. دیگر احزاب در مرکز رقابت سیاسی قرار ندارند. تعاریف گسترده‌تری از قدرت و سیاست لازم است تا بتوان نحوه ایجاد کشمکش میان هویت‌ها و نهادها و دگرگونی آن‌ها را در سراسر حوزه اجتماعی پوشش داد. نگاهی تعاملی و جدلی برای بررسی روابط متقابل دولت ملی و روابط فراملی ضرورت دارد.

در جامعه‌شناسی سیاسی نوعی تغییر در الگو (پارادایم) رخ داده است. این رشته، از مدل دولت محور و طبقات دور شده، به طرف درک جدیدی از سیاست حرکت کرده است. امروزه سیاست پدیده‌ای است که در همه تجربه‌های اجتماعی حضور دارد. جامعه‌شناسی سیاسی جدید پیش از هر چیز به سیاست فرهنگی توجه دارد که در گسترده‌ترین مفهوم خود به عنوان ستیز و دگرگونی هویت‌ها و ساختار اجتماعی از آن یاد می‌شود.

لازم به یادآوری است که این تغییر الگو در جهان صنعتی و فراصنعتی به سرعت در حال شکل‌گیری است، اما کشورهای جهان سوم را به صورت کامل در برنگرفته است. این کشورها در حال گذارند و به سوی درک مسایل جهانی حرکت می‌کنند.

کشور ایران برای گام برداشتن در جهت واقعیت‌های موجود جهانی به توسعه‌ای پایدار، همه جانبه و درون‌زا نیاز دارد تا با استفاده از دست‌آوردهای مناسب جهانی و انطباق آن‌ها با ویژگی‌های داخلی و هویت ملی، بتواند جایگاه مناسبی را در ساختار فراملی جدید پیدا کند. جامعه‌شناسی جدید می‌تواند با نگاه به جهان و با دیدی تعاملی، رهنمودهایی را در زمینه گذار از سنت به نو، ارائه دهد و به تقویت فرهنگ، سیاست و هویت ایرانیان یاری برساند.



## منابع و مأخذ

- ۱- ابو، یوسا، ۱۳۸۵، *امپریالیسم سایبر (روابط جهانی در عصر جدید الکترونیک)*، ترجمه پرویز علوی، تهران: ثانیه.
- ۲- بشیریه، حسین ۱۳۷۸، *سیری در نظریه‌های جدید علوم سیاسی*، تهران: نشر علوم نوین.
- ۳- بشیریه، حسین ۱۳۸۰، *جامعه‌شناسی سیاسی*، تهران: نی.
- ۴- نش، کیت و دیگران، ۱۳۸۰، *جامعه‌شناسی سیاسی معاصر*، ترجمه: فرامرزی، تهران: کویر.
- ۵- گیدنز، آنتونی، ۱۳۷۹، *جهانی رهاشده*، ترجمه نشر علم و ادب.
- ۶- گیدنز، آنتونی، ۱۳۸۰، *پیامدهای مدرنیسم*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز.
- ۷- پانیچ، لئو، ۳۸۰، *مانیفست پس از ۱۵۰ سال*، ترجمه: حسن مرتضوی، تهران: کویر.
- ۸- نقیب زاده، احمد، ۱۳۷۸، *درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی*، تهران: قومس.
9. Robertson, R., 1992. Globalization. London: sage.
10. schiller, M., 1991. cultural imperialism. Boston. Beacon press.
11. Tomlinson, J., 1991. cultural imperialism. London: Johnson.
12. Waters, M., 1995, Globalization. London-Routledge.

ژوئیه‌نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



ثرويشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی